

مروری کوتاه بر سیر تحولات ساختاری تهیه و تولید کتب درسی مدرسه‌ای

● اسفندیار معتمدی*

اشاره

کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی یکی از عناصر اصلی برنامه‌های درسی آموزش و پرورش کشورند که تاریخچه سیر تحول آن‌ها می‌تواند سیاست‌ها و رویکردهای برنامه‌ریزان کشور را نسبت به این نهاد به ما نشان دهد. در این بخش تاریخچه اولین دفتر تحقیقات برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش به پژوهشگران این حوزه ارائه می‌شود.

تا پیش از مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی، تألیف کتاب درسی آزاد بود و مدیر یا معلم مدرسه کتاب درسی را طبق سلیقه خود برنامه‌ریزی و تألیف می‌کردند؛ همچنان که رشديه یا ناظم‌الاطبا کرده بودند.

در سال ۱۲۸۵ ش. نهضت مشروطیت پس از سال‌ها تلاش و فداکاری مشروطه‌خواهان پیروز شد و به دنبال آن، مجلس شورای ملی تشکیل و قانون اساسی و متمم آن به تصویب رسید. پس از آن قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در ۱۱ شهریور سال ۱۲۸۹ و قانون اساسی معارف در ۹ آبان ۱۲۹۰ از تصویب مجلس گذشت. طبق این قوانین دولت مسئولیت آموزش و پرورش فرزندان کشور را قانوناً برعهده گرفت.

در قانون اساسی معارف، تکلیف‌ها و وظیفه‌های وزارتخانه بسیار روشن و در ۲۸ ماده مشخص و برای نخستین بار تعلیمات اجباری، مجانی و همگانی توصیه شد. در خصوص برنامه مدرسه‌ها و کتاب‌های درسی نیز مواد زیر به تصویب رسیدند:

● «ماده ۱. مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی، علمی و بدنی ابنای نوع دایر می‌گردد.

E-mail: motamedi17@hotmail.com

* محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

شورای عالی معارف
به اقدامات مهمی
دست زد که
یکی از آنها
اصلاح برنامه درسی
مدرسه‌ها بود

● ماده ۲. پروگرام (برنامه) مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نماى بدنی ملحوظ باشد.»

قانون اساسی معارف در زمان وزارت ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) از تصویب مجلس گذشت و بر اساس آن برنامه‌های درسی نوشته شدند. در زمان همین وزیر قانون اعزام ۳۰ تن از جوانان مستعد کشور برای تحصیل مدارج عالی به خارج از کشور تصویب و مقرر شد که ۱۵ نفر آنها در رشته تعلیم و تربیت تحصیل کنند و پس از بازگشت به کشور به‌معلمی مشغول شوند. طرح تشکیل دارالمعلمین و نظام‌نامه آن در همین زمان تهیه شد، اما مشکلات مالی و بی‌نظمی‌های اجتماعی مانع از تأسیس دارالمعلمین و اجرای قانون اساسی معارف شد. تا آنکه نوبت وزارت به میرزا احمدخان بدر (نصیرالدوله) رسید.

«نصیرالدوله بدر برای اجرای وظایفی که قانون اداری وزارت معارف به هیئت شورای عالی معارف محول کرده بود، به انتخاب اعضای شورا اقدام کرد. اعضای شورا روز چهاردهم آبان ۱۲۹۷ شمسی به شرح زیر برگزیده شدند و روز ۲۷ آبان با تشکیل اولین جلسه به کار آغاز کردند: نصیرالدوله، وزیر معارف رئیس، رضاقلی‌خان نیرالملک معاون کل معارف عضو، دکتر اعلم‌الدوله رئیس کل معارف عضو، شاهزاده فیروز میرزای نصرت‌الدوله وزیر عدلیه عضو، حاجی آقا شیرازی عضو، عبدالحسین‌خان سردار معظم خراسانی عضو، میرزا ابوالحسن‌خان فروغی عضو، ملک‌الشعرای بهار عضو...» (یغمایی، ۱۳۷۵: ۱۸۴).

شورای عالی معارف به اقدامات مهمی دست زد که یکی از آنها اصلاح برنامه درسی مدرسه‌ها بود که برای نخستین‌بار در سال ۱۲۹۵ ش. تدوین شده بود. نمونه نخستین کتاب‌هایی که مطابق برنامه درسی رسمی جدید وزارت جلیله معارف تألیف شده عبارت‌اند از:

◆ «ممتازالتواریخ عمومی» برای سال پنجم و ششم مدرسه‌های ابتدایی و اوایل مدرسه‌های متوسطه، تألیف میرزا ابوطالب‌خان.

◆ «علم‌الاشیاء» شش جلد برای شش سال ابتدایی، تألیف سید محمد تدین.

◆ «شرعیات»، تألیف جناب شریعتمدار آقای امیرزا سید محمد قمی.

معمولاً در این کتاب‌ها برنامه رسمی نیز چاپ می‌شد. مهم‌ترین نوآوری در کتاب‌های درسی را در برنامه سال ۱۲۹۵ ش. می‌توان دید. در این برنامه، علم‌الاشیاء (علوم تجربی)، حفظ‌الصحه و اخلاق از کلاس اول دبستان تا ششم رسماً در برنامه موجود است. علاوه بر آن درسی به نام «اعمال بدی» و «رسم» در برنامه منظور شده که فوق‌العاده جالب است.

در سال ۱۳۰۰ ش. قانون شورای عالی معارف به تصویب رسید و از آن پس همه برنامه‌هایی که به اجرا درآمدند مصوب شورای عالی بودند. در سال ۱۳۰۸ ش. وزارت معارف تألیف، چاپ و نشر کتاب‌های درسی ابتدایی را برعهده گرفت که تاکنون این مسئولیت را برعهده دارد. در سال ۱۳۱۷ ش. نام وزارت معارف به وزارت فرهنگ تغییر داده شد و وزارت فرهنگ تألیف

آزادی تألیف
بسیاری از افراد،
مانند استادان
احمد آرام،
احمد بیرشک،
پرویز شهریاری،
و ... را به تحقیق و
تألیف تشویق کرد

و چاپ کتاب‌های درسی دبیرستان را بر عهده داشت. تعداد این کتاب‌ها ۸۰ جلد بود. تألیف هر کتاب برعهده هیئتی متخصص و متشکل از یک استاد، یک دانشیار و سه دبیر بود. در سال ۱۳۲۰ ش. در اثر هجوم از شمالی و جنوب به ایران، وضع اقتصادی و اجتماعی کشور آشفته شد و دولت توانایی چاپ کتاب‌های متوسطه را نداشت. در نتیجه در سال ۱۳۲۵ تألیف کتاب درسی آزاد اعلام شد.

آزادی تألیف سبب فعال‌شدن مؤلفان قبلی و به‌میدان آمدن افراد و گروه‌های جدید بسیاری شد که توانستند انواع کتاب‌های درسی را در هر یک از درس‌های دبیرستان تألیف و منتشر کنند. این آزادی تألیف گرچه بسیاری از افراد، مانند استادان احمد آرام، احمد بیرشک، پرویز شهریاری، و ... را به تحقیق و تألیف تشویق کرد، اما سرانجام از حدود سال ۱۳۳۵ ش. به بلبشوی کتاب‌های درسی انجامید و نابسامانی‌های بسیار به‌وجود آورد؛ مانند به‌کاربردن اصطلاح‌های متفاوت برای یک مفهوم، نابرابری کمیت و کیفیت کتاب‌های مربوط به هر درس، گران بودن کتاب‌های درسی، دسته‌بندی‌های فرهنگی، کمبود کتاب و ...

دکتر پرویز خانلری، وزیر فرهنگ، در مصاحبه مطبوعاتی ۲۴ شهریور ۱۳۴۲ چنین می‌گوید:

«وضع کتاب‌های درسی ایران در سال‌های اخیر از نظر ابتذال محتویات و تنوع بی‌حد و حصر و گرانی آن‌ها و زد و بندها و سوءاستفاده‌هایی که در کارها بود، به‌جایی رسید که می‌بایست تصمیمات قاطعی به نفع مردم گرفته شود و آن فساد و هرج و مرج پایان یابد.»

این تصمیم قاطع هیئت‌وزیران در جلسه ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ به صورت تصویب چنین است: «به منظور بهبود وضع کتب درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و تهیه متن کتاب‌هایی که متناسب با پیشرفت علم و فرهنگ باشد و ارزیابی بها و توزیع منظم آن‌ها، هیئت‌وزیران در جلسه ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ بر حسب پیشنهاد شماره ۱۳۴۱/۱۲/۹ وزارت فرهنگ تصویب نمودند:

۱. تألیف و تهیه کتاب‌های درسی دبستانی و دبیرستانی از این تاریخ منحصراً برعهده وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش کنونی) است.

۲. برای تهیه متون این کتاب‌ها هیئتی در وزارت فرهنگ، مرکب از عده‌ای از دبیران و استادان و سایر دانشمندان به تشخیص و دعوت وزارت مزبور تشکیل می‌گردد.

● ماده ۳. تا زمانی که متن تمام یا بعضی از کتاب‌های دبیرستانی از طرف هیئت مذکور در ماده ۲ تهیه نشده، وزارت فرهنگ می‌تواند از بین تألیفات موجوده موقتاً یک کتاب را برای تدریس هر ماده درسی انتخاب کند و بر طبق مقررات این تصویب‌نامه منتشر نماید.»

در سال ۱۳۴۲
با تأسیس
سازمان کتاب‌های
درسی ایران،
دفتر تحقیقات
جای اداره
کل مطالعات و
برنامه‌ها را
گرفت

□ دفتر تحقیقات و سازمان کتاب‌های درسی ایران

تا پیش از تأسیس دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و سازمان کتاب‌های درسی، مسئول برنامه‌ریزی‌ها کتاب‌های درسی، اداره کل مطالعات و برنامه‌ها بود و مدیرکل آن شادروان دکتر محمدمین ریاحی بود. اما در سال ۱۳۴۲ با تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران، دفتر تحقیقات جای اداره کل مطالعات و برنامه‌ها را گرفت.

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۴۲/۷/۸ به پیشنهاد شماره ۷۸۶۵ مورخ ۱۳۴۲/۶/۲۳ وزارت فرهنگ و موافقت وزارت دارایی، اساسنامه سازمان کتاب‌های درسی ایران را تصویب کردند. ماده ۱ و ماده ۲ این اساسنامه چنین است:

● «ماده ۱. به‌منظور تألیف و تهیه متون کتاب‌های درسی مورد نیاز دبستان‌ها و دبیرستان‌های کشور یک مرکز علمی به نام سازمان کتاب‌های درسی ایران تحت نظر وزارت فرهنگ طبق مقررات زیر تشکیل می‌گردد.

● ماده ۲. سازمان دارای شخصیت مستقل حقوقی است و رئیس سازمان نماینده قانونی و مسئول اجرای آن، سرپرست دستگاه‌های اداری و علمی آن خواهد بود.»

به دنبال این اساسنامه مقدمات تشکیل سازمان کتاب‌های درسی ایران فراهم شد و سرانجام نخستین جلسه هیئت امنای آن، با شرکت آقایان دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ضیائی، رضا اقصی، دکتر محمود بهزاد و پروفیسور فاطمی برگزار شد و آقای دکتر محمود بهزاد، به پیشنهاد وزیر فرهنگ، با تصویب هیئت دولت، برای مدت سه سال به ریاست سازمان کتاب‌های درسی در ایران منصوب شد. قانون تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران در خرداد سال ۱۳۴۶ به تصویب دو مجلس سنا و شورا رسید.

در تغییرات جدید، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی جانشین اداره کل مطالعات و برنامه‌ریزی شد. مسئولیت این دفتر بر عهده جناب محمد طاهر معیری و وظایف دفتر تهیه برنامه‌هایی شامل تهیه برنامه‌های دوره‌های تحصیلی، رشته‌های تحصیلی، درس‌های هر رشته، مدت زمان هر درس در هفته، و عنوان یا سرفصل‌هایی است که مؤلفان در کتاب درسی باید می‌نوشتند. علاوه بر این، دفتر روش تدریس و چگونگی ارزشیابی را مشخص می‌کرد. وظیفه سازمان کتاب‌های درسی تألیف، آماده‌سازی، و چاپ کتاب‌های درسی است.

در همین زمان موضوع بسیار مهم تغییر نظام آموزشی مطرح شد. این کار بسیار حساس و سنگین، و مسئولیتی بود که بر عهده شادروان محمد طاهر معیری قرار گرفت. در سال ۱۳۴۳، شورایی مرکب از مسئولان آموزش و پرورش و گروهی از کارشناسان و پیشکسوتان این رشته تشکیل شد. این شورا مأمور بود مسائل آموزشی را بررسی کند و بر اساس شرایط و نیازهای موجود و در ارتباط با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی ایران و جهان، نظامی متناسب با مقتضیات زمان برای آموزش و پرورش پیشنهاد دهد. شورای مزبور بعد از تعیین خط‌مشی کلی کار خود، به تشکیل کمیسیون‌هایی مرکب از کارشناسان رشته‌های متفاوت

اقدام کرد. هریک از این کمیسیون‌ها زیر نظر یک نفر از اعضای شورا اداره می‌شد و گروهی از کارشناسان مسائل تربیتی در آن عضویت داشتند. هر کمیسیون، به تناسب تخصص شرکت‌کنندگان، به بررسی بخشی از نظام آموزشی مأمور بود و ملاً باید طرحی درباره همان بخش پیشنهاد می‌کرد.

هماهنگ ساختن پیشنهادها، تهیه برنامه‌های درسی، پیش‌بینی موازین مربوط به امتحان، خط‌مشی راهنمایی تحصیلی، تهیه طرح سازمانی آموزش و پرورش، منطبق کردن برنامه‌های درسی با نیازهای ملی و محلی، ارائه روش‌های مؤثر تدریس، بررسی رابطه آموزش با فرهنگ و هنر، و آموزش کودکان استثنائی از جمله مسائلی بودند که بررسی هریک به کمیسیون ویژه‌ای محول شده بود. کمیسیون‌ها مرتباً به بررسی و تبادل نظر می‌پرداختند و هر یک از آن‌ها در زمینه مأموریتی که داشت، گزارشی تهیه کرد. گزارش‌ها در شورای آموزش و پرورش مطرح شدند و از تلفیق آن‌ها طرح جدید آموزش و پرورش کشور بنیاد گرفت. طرح جدید آموزش و پرورش از سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۵ در هر سال در یک پایه و به تدریج از پایه اول ابتدایی به اجرا گذاشته شد. ضمناً با توجه به نتایج اجرایی آن، پس از تشکیل دوره جدید «شورای عالی آموزش و پرورش»، کلیات طرح در شورا مطرح شد و در زمینه‌های متفاوت آن اظهار نظر و بررسی به عمل آمد.

در سال ۱۳۵۰، وزارت آموزش و پرورش به تأسیس سازمان مخصوصی برای تهیه برنامه‌های درسی و ارزشیابی مراحل اجرایی نظام جدید آموزش و پرورش دست زد. این دفتر (دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی) مأمور بود گزارش‌ها و طرح‌های مربوط به ساخت برنامه‌ها را تهیه و برای بررسی و تصویب شوراهای قانونی ارائه کند (معیری، ۱۳۵۶). محمدطاهر معیری از همان سال از مدیران و کارشناسان این طرح بود که پیش از شروع آن، به همراه خانم توران میرهادی و حسین دانشفر، برای گذراندن دوره‌ای به اروپا اعزام شدند. از جمله کارشناسان اصلی این طرح دکتر علی محمد کاردان و دکتر غلامحسین شکوهی بودند. مدیریت اجرایی آن با محمدطاهر معیری، مدیر کل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی بود. در دفتر تحقیقات انواع جلسه‌های برنامه‌ریزی برای درس‌ها، اعم از درس‌های نظری، درس‌های عملی و درس‌های حرفه‌وفن وجود داشت. این جلسه‌ها برای هریک از درس‌های فیزیک، شیمی، ریاضی، تاریخ، جغرافی، ادبیات فارسی و درس‌های فنی و حرفه‌ای جداگانه و به‌طور هفتگی یا دو هفتگی و بیشتر تشکیل می‌شد. یکی از آن‌ها جلسه برنامه‌ریزی درس فیزیک بود که نویسنده این مقاله در آن شرکت داشت. اعضای این جلسه عبارت بودند از: مرحومان دکتر ابوالقاسم قلم سیاه، محمدعلی پیغامی، هوشنگ شریف‌زاده، اصغر نوروزیان، سیدجعفر مهرداد، عزیزالله احقری، فیروز پیلهرودی و ... اعضای جلسه ریاضی را مرحومان عبدالحسین مصحفی، غلامرضا عسجدی، میرزا جلیلی، محمدعلی واعظیان، حسام‌الدینی و ... تشکیل می‌دادند. کار هریک از این جلسه‌ها برنامه‌ریزی برای کتاب‌های تألیف نشده یا مطالعه و ارزشیابی کتاب‌هایی بود که تدریس می‌شدند.

محمدطاهر معیری
از دانش آموزان
نخبه مدرسه بود
و دوره دوم را
در دانش سرای
مقدماتی همدان
پذیرفته شد

یکی از کارهایی که در دفتر تحقیقات صورت گرفت، ترجمه سرفصل و عنوان درس‌های علوم تجربی (فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی) و علوم ریاضی سه نوع کشور جهان (توسعه یافته، در حال توسعه و عقب مانده) بود. به صورت منظم این کار انجام گرفت و ترجمه‌ها به صورت پرونده و مرتب در هر یک از اتاق‌های کارشناسان یا راهروهای طبقه‌های ساختمان خیابان ایرانشهر قرار داشتند. به طوری که هر یک از کارشناسان می‌توانستند برنامه درسی انتخابی در حال جریان کشور را برای هر درس با برنامه کشورهای دیگر مقایسه کنند.

نظام نوین آموزش و پرورش بر اصولی بنیاد شده است که عموماً از ضرورت‌های تربیتی و اجتماعی زندگی امروز ناشی هستند و هر یک از آن‌ها فلسفه وجودی قوی دارد و در ۲۰ اصل کلی ارائه شده‌اند ... ساختار نظام آموزشی جدید اصولاً بر ارائه برنامه‌های درسی و روش‌های اجرایی، با توجه به نیازها و ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی زمان، تأکید دارد. ضمناً اجرای برنامه‌ای را که به کشف و بیداری استعدادها ناپیدا کمک می‌کنند، مورد توجه قرار می‌دهد، و بر لزوم عرضه برنامه‌های انعطاف پذیر به صورتی که هماهنگی مدرسه را با تفاوت‌های فردی و با اختلاف استعدادها متضمن باشند، تأکید بسیار دارد (معیری، ۱۳۵۷).

◇ محمدطاهر معیری اولین مدیر دفتر تحقیقات برنامه درسی

محمدطاهر در همدان به دنیا آمد و دومین فرزند خانواده بود. یک خواهر بزرگ‌تر از خود داشت. ۱۴ ساله بود که پدرش فوت شد و آن زمانی بود که خود و خانواده‌اش به بیش‌ترین مراقبت نیاز داشتند. این تلخ‌ترین واقعه دوران زندگی‌اش بود. مادرش مسئولیت زندگی او و پنج برادر و خواهرش را برعهده گرفت و آن‌ها را با سختی بزرگ کرد.

◇ تحصیلات

محمدطاهر در زادگاهش به دبستان رفت و پس از پایان دوره ابتدایی، سه سال اول دوره دبیرستان را در مدرسه‌ای گذراند که با مدیریت یک هیئت خارجی اداره می‌شد. فاصله بسیار زیاد خانه تا مدرسه را پیاده طی می‌کرد. به خصوص در دو فصل پائیز و زمستان و در هوای سرد و یخبندان و گاه طوفانی همدان با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود، اما با وجود سختی‌های بسیار، دوره اول را گذراند و خود را برای دوره دوم متوسطه آماده کرد. در آن زمان به‌دستور وزیر معارف، علی‌اصغر حکمت، مدیران مدرسه‌ها موظف بودند بهترین دانش‌آموزان را به‌رفتن به دانش‌سرای مقدماتی تشویق کنند.

محمدطاهر از دانش‌آموزان نخبه مدرسه بود و دوره دوم را در دانش‌سرای مقدماتی همدان پذیرفته شد. به مدت دو سال خود را برای معلمی آماده کرد و از دانش‌سرای مقدماتی فارغ‌التحصیل شد. به استخدام اداره فرهنگ همدان درآمد و کار خود را با تدریس در دوره اول دبیرستان شروع کرد. هم‌زمان به تحصیلات خود در رشته ریاضی ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۲۲ دیپلم ریاضی گرفت. پس از پایان پنج سال اول خدمت، در امتحان ورودی دانش‌سرای عالی قبول شد و سه سال دوره عالی را در رشته ریاضی گذراند. سال ۱۳۴۱ دانشگاه تهران

معیری در بخش
ستادی وزارت
آموزش و پرورش
سال‌ها مسئولیت
بسیار حساس
دفتر تحقیقات و
برنامه‌ریزی درسی
را برعهده داشت

«مؤسسه آموزشی تخصصی آمار» را تأسیس کرد. محمداطهر معیری ۱۲ سال پس از اخذ لیسانس ریاضی، این دوره دو ساله را در ۴۱ سالگی شروع کرد و با موفقیت گذراند و درجه کارشناسی ارشد گرفت و در نتیجه راه دیگری به غیر از تدریس برای او باز شد. پس از یکی دو سال، سازمان ملل متحد در آمریکا دوره یک‌ساله رشته تخصصی کارآموزی آمار را در اختیار ایران گذاشت. معیری در امتحان ورودی این مسابقه شرکت کرد و پس از موفقیت راهی آمریکا شد و در دانشگاه کلمبیا در نیویورک به تحصیل و مطالعه در رشته آمار پرداخت. پس از ارائه گزارش نهایی خود به مسئولان، بسیار مورد توجه قرار گرفت، به طوری که به او پیشنهاد ادامه تحصیل در رشته آمار داده شد. اما عشق بازگشت به وطن، مانع پذیرش پیشنهاد شد و به ایران مراجعت کرد. پس از بازگشت از آمریکا به کار در بخش ستادی وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سال‌ها مسئولیت بسیار حساس دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی را برعهده داشت. ایشان در طراحی و پیاده‌کردن نظام آموزشی که از مهر سال ۱۳۴۵ به اجرا در آمد مسئولیت اساسی داشت.

«به‌هرحال دوره تحصیلی رسمی را هرچند تدریجی به آخر رساندم، اما مطالعه شخصی را هرگز رها نکردم. آنچه از مطالعه آموختم چیزی کمتر از نتیجه تحصیلات مدرسه‌ای نبود. در زندگی بیش از هر چیز به کار و کتاب علاقه‌مند بودم. آنگاه که از کار موظف کلاس‌داری یا دیگر کوشش‌های روزانه فارغ می‌شدم، کتاب در دست داشتم و به‌گوشه و کنار واقعیت‌ها می‌پرداختم و از این طریق نتیجه‌های قابل ملاحظه گرفتم. چه در بخش تخصصی مربوط به تحصیلات رسمی‌ام، چه در ارتباط با مسئولیت‌ها و وظایفی که در برنامه‌ریزی نصیبم شد» (از گزارش دست‌نویس شادروان معیری به حسین دانشفر، با عنوان یادی از گذشته).

◆ اشتغال در ستاد

«به‌خاطر دارم که وقتی برای ارائه گزارش کارم به متصدی برنامه‌ام در دفتر سازمان مراجعه کردم و نتیجه دو و نیم سال تحصیل را ارائه دادم، اوراق و سوابق را مرور کرد و پس از مقایسه آن‌ها با گزارش‌های موجودش، با روی خوش خطابم کرد و گفت: می‌خواهی دوره مأموریت را برای شما تمدید کنیم؟ ناسنجیده و بی‌مطالعه‌اما بدون تردید گفتم: نه. با شگفتی نگاهم کرد و بعد از مختصر تأملی به تهیه گزارش پایان کارم مشغول شد ... فرصتی را از دست دادم که بعدها به اهمیت آن پی بردم ... از آن پس تأسف آن خطای آشکار را همواره یدک کشیدم» (از گزارش دست‌نویس شادروان معیری به حسین دانشفر، با عنوان اشتغال در ستاد).

«باید بگویم که طی دوره خدمتم در قسمت برنامه‌ریزی، در بسیاری دوره‌های کارآموزی و کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت کردم و آنچه عایدی داشتم باعث شد که مدت ۲۳ سال موظفاً در همین بخش به کار مشغول باشم که خود مشغله‌ای آموزنده بود.

ترتیبی مصون از فرساز و فرودهای خدمات دولتی داشت و به شکلی یک نواخت و ثابت در خط بررسی و نتیجه گیری بود که مطلوب و پذیرفتنی می نمود. مضافاً مدت ۵۶ سال اوقات فراغت شب و روزم با تدریس ریاضی و آمار پر می شد که هیچ گاه از آن خسته و دل زده نشدم. حتی در سال های آخر به هفته ای ۳۶ الی ۴۰ ساعت تدریس در دانشگاه ها کشیدم، هر چند که از نقش و تأثیر مالی عاری نبود، انگیزه و علت مادی نداشت» (پیشین).

◆ نقش و تأثیر کارآموزی عملی

«در آغاز دومین سال تحصیلم در دانشگاه، در خط پیگیری جریان بررسی کتابی که برای چاپ و انتشار آماده نموده بودم و بررسی آن را به مرحوم پرفسور فاطمی محول کرده بودند، به ایشان مراجعه کردم و آشنایی بیشتری، بیش از آنکه در کلاس درس ایشان پیش می آمد، حاصل شد. استاد مرحوم در همان سال در رشته ریاضی، درس مکانیک استدلالی تدریس می کردند و چه تدریسی! می توانم بگویم که در یک بحث علمی مهم، در بیان ایشان یک کلمه جابه جا یا نابجا یا تکراری دیده نمی شد. یک لحظه غفلت و عدم توجه و تسامح بروز نمی دادند. جدی و در خط معین آنچه را که مقرر و لازم بود دنبال می کردند. درس و تدریسشان چقدر آموزنده بود. به هر صورت هفته بعد از ملاقاتم با ایشان در جلسه درس، موضوع سخن به قضیه ای از هندسه فضایی برخورد داشت. به حکم مربوطه استناد کردند و بحث خود را به آخر رساندند.

در پایان بحث ضمن توجه مخصوص طرف خطابم قرار دادند: شما می توانید قضیه سه عمود را برای دوستانتان ثابت کنید؟

شاید می خواستند به منظور بررسی بیشتر درباره آمادگی ام و صلاحیت تألیفم به نتیجه ای برسند. به هر حال پاسخ روشن بود. سابقه تدریس پنج ساله داشتم. آن قضیه را مکرر در سال سوم دبیرستان تدریس کرده بودم. کنار تخته رفتم. با دقت شکل کشیدم و به توضیح پرداختم. کاری که بی گمان از دیگر همکلاسانم بر نمی آمد که فراموشی مخمل بسیاری از به خاطر سپردن هاست. به هر صورت در مدتی که با شرح و استدلال مشغول بودم، استاد ساکت و مراقب تأیید می کردند. چه بسا بحث و گفتارم با مقصود اصلی ایشان از جهت ارجاع آن نقش به من وفق می داد.

خلاصه سخن آنکه شیوه کارم در بیان مفهوم و اثبات حکم مربوطه خوب گرفت. زیرا که در آن باره تجربه شخصی و عملی داشتم. همه آمادگی ام در موضوع، به کارآموزی عملی و تجربه پنج ساله ام بازمی گشت و این مثال را بر آن قصد آوردم که روی نقش کارآموزی عملی برای کسب اهلیت تأکید کرده باشم ... تربیت کودکان و نوجوانان را باید بر تجربه و کار عملی بنیان کرد که تأثیر قابل ملاحظه و پایداری دارد. کار مدرسه تا زمانی که فقط به حافظه متکی باشد و در گفتن و شنیدن خلاصه می شود، صورت تک بعدی دارد و از مقصود اصلی در تربیت موجودی جامع، دور می افتد» (پیشین).

◆ آیین مدرسه‌داری

«به یاد می‌آورم که در اردیبهشت‌ماه یکی از سال‌های خدمتم، در سمینار بزرگی که برای بررسی خط برنامه‌های آموزشی با شرکت گروهی از آگاهان مسائل تربیتی داخلی و بیگانه و اولیای عالی‌رتبه‌ی تعلیم و تربیت مملکت، در شهر مشهد تشکیل شده بود، به‌عنوان نماینده‌ی یک استان شرکت داشتم. موضوع سخن این بود که: در مدرسه چگونه مسائلی جریان دارد و چه باید کرد؟»

در جلسه‌ای خاص از اصلاح و تکمیل آئین‌نامه‌ی دبیرستان‌ها می‌گفتند. بسیاری افراد در خط هماهنگی با زمینه‌ی موجود، داد سخن می‌دادند که مدرسه باید چنین و چنان باشد ... همه در پوشش ارزش‌های اخلاقی و مردمی از رفتار نرم و ملایم در مدرسه می‌گفتند که به‌ظاهر و در مفهوم و ماهیت هیچ جای تردید نداشت. مدرسه نباید ... مدیر دبیرستان باید ... همه بحث در جهتی بود که در مقیاسی نامحدود به‌مهارگسیختگی و بی‌بندوباری می‌کشید، به نحوی که در مقابله با مسائل موجود دست اولیای مدرسه را می‌بست، و من، شاید به سبب همان طبع معتقد و پایبند به نظم و انتظام یا سخت‌گیری و استحکام کارم، احساس می‌کردم هر چند سخن همه زیبا بود و اگر شکل می‌گرفت به وضعی آرمانی می‌کشید، در عمل نمی‌توانست به جایی برسد. در سالنی در بسته، تشریفاتی و مردم‌پسند، سخن‌پردازی می‌کردند که بی‌تردید در عمل به‌جایی نمی‌رسید. از پیشنهاد استقبال می‌کردند و پی‌درپی از حذف بعضی مواد آئین‌نامه‌ی دبیرستان‌ها و سلب اختیارات مدیر مدرسه می‌گفتند و تأیید می‌کردند و پی‌درپی از حذف بعضی مواد آئین‌نامه‌ی دبیرستان‌ها و سلب اختیارات مدیر مدرسه می‌گفتند و تأیید می‌کردند. به این نتیجه رسیدم که مسیری در حال شکل‌گیری است که بی‌گمان بد را بدتر می‌کند. تاب و توانم به آخر رسید. با اینکه در جلسه‌های مختلف بیشتر گوش بودم تا زبان، می‌شنیدم و می‌آموختم بیش از آنکه آموزنده باشم، در این مورد بی‌تاب شدم، از جا برخاستم و فرصت صحبت گرفتم:

ما داریم چه کار می‌کنیم؟ بی‌تردید هر یک از آقایان زمانی هم مدیر مدرسه بوده‌اند و تجربه‌هایی دارند؛ اما مگر از شهریور آینده مدرسه‌های ما گلستان می‌شود؟ مگر فرشته‌ها ثبت‌نام می‌کنند؟ آیا به صرف این آئین‌نامه‌ی به‌ظاهر موجه و پیشرفته‌ای که پیش‌بینی می‌کنید، دفعاتاً نسل جوان ما در مقیاس وسیع عوض می‌شود؟ آیا دیگر در مدرسه غیبت درازمدت، تأخیر ورود مکرر، بی‌نظمی، دعوا و چاقوکشی، عناد و هم‌چشمی و به‌جان هم افتادن‌ها، برخورد خشن با معلم و مدیر و اولیای مدرسه، اعتراض و اهانت در ارتباط با نتیجه‌ی امتحانات یا مسائل اخلاقی و ... دیگر پیش نمی‌آید؟ با این ترتیب که مدیر مدرسه را در چارچوب محدودیت‌ها قرار می‌دهید، افراد با کدام سلاح می‌توانند مدرسه را اداره کنند؟ از این پس مسئول مدرسه با گرفتاری‌ها و بی‌نظمی‌های روزمره چگونه برخورد کنند؟ بی‌تردید با ابلاغ این آئین‌نامه بیشتر مدیران دبیرستان‌ها،

محمدطاهر معیری
با آگاهی و عشق
و پشتکاری بی نظیر
تا سال ۱۳۵۸ در
آموزش و پرورش
کشور کار مؤثر کرد

به خصوص آن‌ها که پای‌بند به نظم و وظیفه‌اند و به کار خود ایمان دارند، کنار می‌کشند. گفتم و در انتظار سخن آرام شدم. جو گفت و گو عوض شد. حضار جلسه ساکت شدند و توجهشان به یک‌سری واقعیت‌ها جذب شد. با اشاره‌ها و با حرکت سر مسائل مذکور را تأیید می‌کردند. رئیس و اداره‌کننده جلسه به دقت گوش کرد و از فاصله دور نظرات را پذیرفت. با مشاوران و کارشناسان داخلی و خارجی که در اطرافش جمع بودند نجوا کرد و تصمیم به انتفای آن بررسی و اصلاحات ایدئالی آیین‌نامه گرفتند. به حکم ضرورت‌های موجود، موقتاً مسائل را نادیده گرفتند و رها کردند.

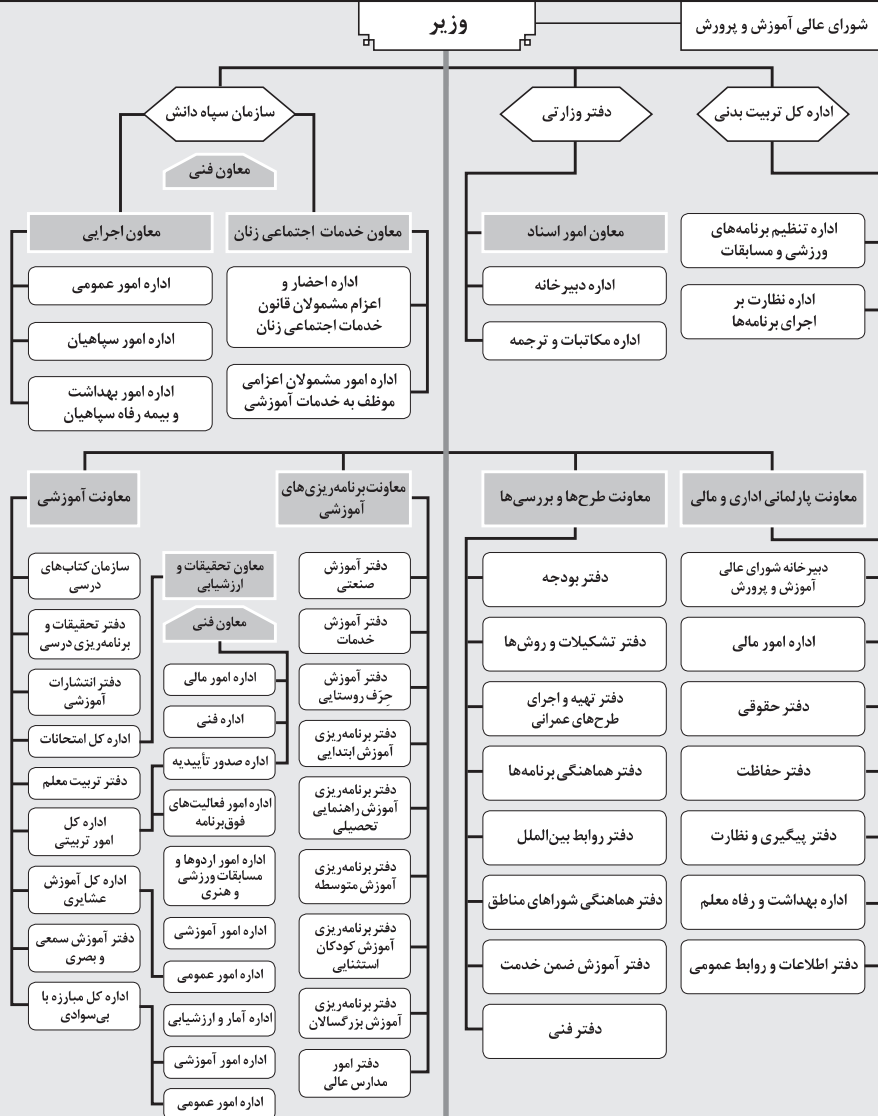
محمدطاهر معیری با آگاهی و عشق و پشتکاری بی نظیر تا سال ۱۳۵۸ در آموزش و پرورش کشور کار مؤثر کرد. از آن پس بازنشسته شد و به کار تألیف کتاب‌های درسی ریاضی، ثبت تجربیات خود و تدریس در دانشگاه‌ها پرداخت.

◆ تألیفات

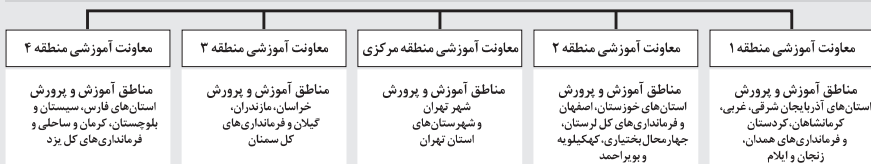
معیری ۳۱ جلد عنوان کتاب نوشته است: ۲۶ عنوان کتاب در علوم ریاضی و آمار، و پنج‌عنوان در زمینه‌های دیگر. یک مجموعه داستان‌های کوچک اجتماعی هم دارد. از کتاب‌های ریاضی و آمار، شش عنوان با همکاری و اشتراک مساعی دیگر مؤلفان تألیف شده‌اند. سه جلد از کتاب‌ها نیز مربوط به درس هندسه رشته ریاضی هستند که با همکاری مرحوم احمد بیرشک و دیگران تهیه شده‌اند. این کتاب‌ها به مدت ۲۵ سال به‌عنوان منابع درسی مجاز در دبیرستان‌ها تدریس می‌شدند؛ البته با یک حق‌التألیف اولیه. استاد معیری اولین کتاب خود را در سال ۱۳۲۲ نوشته بود. عنوان بخشی از تألیفات ایشان چنین است:

۱. حل‌المسائل جبر، برای دوره اول دبیرستان امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۲۷.
۲. حل‌المسائل مثلثات، برای دوره اول دبیرستان نشر سنایی، ۱۳۴۱.
۳. آمار (تألیف با دیگران)، سال دوم دبیرستان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۲.
۴. آمار (تألیف با دیگران)، سال سوم دبیرستان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۳.
۵. جهان بزرگ و آنچه در آن است، چاپ اطلاعات، ۱۳۶۸.
۶. هندسه تحلیلی برای سال چهارم متوسطه وزارت آموزش و پرورش (تألیف با دیگران)، ۱۳۶۸.
۷. هندسه سال اول آموزش و پرورش (تألیف با احمد بیرشک)، ۱۳۷۳.
۸. بچه‌های خوب، پرورش بد، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۹. هندسه سال اول عمومی وزارت آموزش و پرورش (تألیف با احمد بیرشک)، ۱۳۷۳.
۱۰. هندسه سال دوم وزارت آموزش و پرورش (تألیف با احمد بیرشک).
۱۱. هندسه سال سوم وزارت آموزش و پرورش (تألیف با احمد بیرشک).
۱۲. هندسه سال چهارم وزارت آموزش و پرورش (تألیف با احمد بیرشک).
۱۳. مسائل آموزش و پرورش، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۸.

تشکیلات سازمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۰*



معاونت‌های سازمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش در مناطق



* تاریخ آموزش و پرورش ایران، صفحه ۲۶۵

منابع

۱. طرح جدید آموزش و پرورش کشور. اداره کل مطالعات و برنامه‌ها. شهریور ۱۳۴۴.
۲. صفوی، امان‌الله (۱۳۸۳). «کتاب تاریخ آموزش و پرورش ایران (از ایران باستان تا ۱۳۸۰)». تهران. رشت.
۲. معیری، محمدطاهر (۱۳۵۶). «دگرگونی‌های آموزش و پرورش». ماهنامه آموزش و پرورش. شماره ۳. دوره ۳. چهل و هفتم. آذرماه.
۳. _____ (۱۳۵۷). «ساختار نظام آموزشی جدید». ماهنامه آموزش و پرورش. اردیبهشت.
۴. «یادی از گذشته‌ها». گزارش دست‌نویس از شادروان محمد طاهر معیری به حسین دانشفر. ۲۰ شهریور ۱۳۸۴.
۵. معتمدی، اسفندیار (بی‌تا). تاریخ آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی. در دست چاپ.
۶. یغمایی، اقبال (۱۳۷۵). وزیران علوم و معارف فرهنگ ایران. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.